



پیوند با طبیعت در معماری کتابخانه‌ها

تالیف: زهرا ناصری^۱

چکیده

طبیعت تجلی گاه احساسات، شور، شغف و زیبایی‌هاست به همین دلیل انسان همواره می‌کوشد تا با آن همراه باشد. این نوع همراهی و همزیستی با طبیعت را به خوبی می‌توان در معماری سنتی دید. که نه تنها با محیط طبیعی سر ناسازگاری و جنگ ندارد بلکه در عین زیبایی و کارآمدی با آن کمال هماهنگی و موازنه را دارد. کتابخانه نیز به عنوان یک مرکز یادگیری باید به نیازهای اطلاعاتی و هم به نیازهای روحی و روانی کاربران (شوق، شادی، لذت و...) توجه کند. ارضای این نیازها از طریق پیوند با طبیعت قابل حصول است. بنابراین مقاله حاضر برآن است ضمن شناسایی نقش و جایگاه طبیعت در معماری کتابخانه‌ها، به روش‌های همزیستی ساختمان کتابخانه‌ها با طبیعت از طریق پاسخگویی به شرایط آب و هوایی و توپوگرافیک و تاثیرات آن بر افزایش تعداد مراجعه‌کنندگان از لحاظ زیبا شناختی و روان شناختی بپردازد این پژوهش از نوع توصیف تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بر اساس تحلیل محتوا به گرد آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد.

کلید واژه‌های موضوعی: معماری کتابخانه، طبیعت، پیوند طبیعت و معماری

مقدمه

انسان همواره با طبیعت در ارتباط است و با دستکاری در طبیعت سعی داشته است که بگونه‌ای بهینه طبیعت را در خدمت خود درآورد. این نوع همزیستی به خوبی در طول تاریخ بشر دیده می‌شود. به عبارتی دیگر بشر از زمانی که سرپناه، مسکن، محیط زیست و... ساخت و مورد بهره برداری قرار داد همیشه به عوامل موجود در طبیعت توجه داشته است و طبیعت را به عنوان یک طرف مهم و اساسی در نقشه‌ها و طرح‌هایش مورد استفاده قرار داده است (کیانی، ۱۳۸۰؛ نصر، ۱۳۸۰). همزیستی میان انسان و طبیعت در تمدن اسلامی نیز به صورت آشکاری وجود داشته است. ساخته‌های موجود در جهان اسلام همچون در تمدن‌های سنتی دیگر با طبیعت همسو و هماهنگ بوده‌اند. به عنوان نمونه استفاده از بادگیرها در شهرهای مرکزی ایران از جمله یزد، کاشان، کرمان نشان دهنده دانش آدمی برای بهره برداری هر چه بیشتر از عوامل طبیعی موجود در فرهنگ اسلامی است که در عین زیبایی و کارآمدی نه تنها با محیط طبیعی سر ناسازگاری و جنگ ندارد بلکه با آن کمال هماهنگی و موازنه را دارد (نصر، ۱۳۸۰). اهمیت این همزیستی علاوه بر دستاوردهای مادی، نه تنها سبب آشنایی انسان با طبیعت می‌گردد، بلکه رابطه فرد را با محیط اطرافش تداوم می‌بخشد و باعث حداکثر استفاده بهینه از عوامل طبیعی موجود از قبیل انرژی نور و آب و باد و جلوگیری از مصرف صرف انرژی‌های خارجی می‌شود. اما امروزه یکی از مشکلات گریبان گیر تمدن معاصر فراموش کردن این بعد از معماری است. در نتیجه درحال حاضر بسیار سخن از آن می‌رود که معماری را به صورتی در آورند که چشم اندازهای بشری با طبیعت همسو باشد زیرا تجربه ثابت کرده است این همسویی در شکل‌گیری شخصیت، رفتار و نظام عملکردی انسان موثر است. بنابراین مقاله حاضر برآن است ضمن شناسایی نقش و جایگاه

^۱ . دانشجوی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه فردوسی مشهد (snaseri5@gmail.com).



طبیعت در معماری کتابخانه‌ها، به روش‌های همزیستی ساختمان کتابخانه‌ها با طبیعت از طریق پاسخگویی به شرایط آب و هوایی و توپوگرافیک و تاثیرات آن بر افزایش تعداد مراجعه‌کنندگان از لحاظ زیبا شناختی و روان شناختی پیردازد.

اهمیت و جایگاه طبیعت در معماری کتابخانه‌ها

معماری در هم آمیختن هنر و دانش (فناوری) در جهت خلق محیطی مناسب برای نیازهای انسانی است (هلمن، ۱۳۸۱). با تاکید به این تعریف و عنایت به اینکه طبیعت سرچشمه احساسات، شور، شغف، رایحه، فضا، و زیبایی است و با توجه به اینکه انسان نیز فطرتاً طبیعت‌گرا و طبیعت‌خواه است پس می‌بایست همواره دست ساخته‌های بشری در هماهنگی و همخوانی با طبیعت باشد. از آنجایی که یکی از دست‌آوردهای بشریت کتابخانه است که با هدف خدمت رسانی به جامعه ایجاد می‌شود و وجود آن بر روند و توسعه و بالندگی فرهنگی کشور تاثیر گذار است لذا باید به گونه‌ای هماهنگ با محیط اطرافش ساخته شود که هر بیننده را در اولین نگاه مجذوب خویش سازد و استفاده از آن علاوه بر رفع نیازهای اطلاعاتی کاربر، شوق برانگیز و شادی آفرین باشد در غیر این صورت بی‌رغبتی و بی‌انگیزگی کاربران به مراجعه و استفاده از کتابخانه را به همراه خواهد داشت. بنابراین هرگاه معماری کتابخانه بر اساس اصول و ضوابط منطقی و همسو با خواسته‌های فطری و طبیعی انسان‌ها و هماهنگ با طبیعت باشد علاوه بر اینکه محیطی زیبا و آرامش بخشی را برای کاربران فراهم می‌سازد، صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای در هزینه‌های کتابخانه به دلیل بهره‌گیری از عوامل طبیعی موجود (انرژی باد، آب، خورشید) به دنبال خواهد داشت. بنابراین با مشخص شدن جایگاه طبیعت در معماری کتابخانه‌ها ضروری است انواع رویکردهای موجود در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد تا با آشنایی کافی با هر یک از رویکردها بتوان بهترین رویکرد را در رابطه با نیازهای انسانی مشخص ساخت.

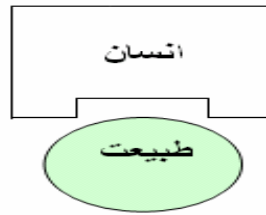
انواع رویکردهای مختلف معماری در رابطه با طبیعت

طبق مطالعات متون مربوطه، چهار نوع رویکرد مختلف در رابطه با طبیعت وجود دارد (حمزه نژاد، ۱۳۸۶؛ نصر، ۱۳۷۷؛ نصر، ۱۳۸۰) که درسه مورد آن افراط و تفریط کاملاً مشهود است و فقط در یک مورد آن است که به خوبی رابطه تعامل و همزیستی با طبیعت دیده می‌شود. در ادامه به طور خلاصه به انواع این رویکردها پرداخته می‌شود. هدف از پرداختن به این مبحث درک بهتر شیوه‌های برخورد معماری با طبیعت به منظور بهره‌گیری از آن در جهت شکوفایی معماری کتابخانه‌ها و ارضاء نیازهای انسانی است.

۱. رویکرد طبیعت ستیز
۲. رویکرد طبیعت گریز
۳. رویکرد طبیعت گرا
۴. رویکرد طبیعت ساز.

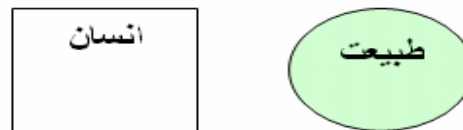
• رویکرد طبیعت ستیز (رودررویی با طبیعت): در این رویکرد رابطه انسان با طبیعت غیر

سامانه‌ای، یک طرفه، و مصرفی است به گونه‌ای که از آن به عنوان یک کالا بهره و لذت می‌برد و به بهره‌کشی، تسلط و مقابله با آن می‌پردازد. این روحیه تسخیرگری و مهار طبیعت را به وضوح در هنر و معماری دوران صنعتی مدرن می‌توان دید. ویژگی اصلی این دوره تغییر در نسبت بین انسان و طبیعت است. یعنی انسان به جای اصالت دادن به طبیعت، به تغییر آن و اصالت دادن به خود می‌پردازد این جاست که کانون اصلی ارتباط بین انسان با طبیعت از هنر به صنعت تبدیل می‌شود یعنی چیزی که هدفش تامین آسایش بیشتر انسان است.



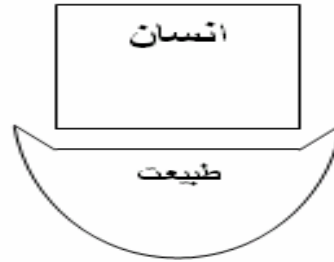
شکل (۱). رویکرد طبیعت ستیز

- **رویکرد طبیعت گریز (بی تفاوت):** این دیدگاه نیز رابطه انسان با طبیعت را غیرسامانه‌ای یا سامانه‌ای گسسته می‌بیند (مانند ارتباط اجزاء یک ماشین). ولی همچون رویکرد قبلی توصیه‌ای بر مهار و سلطه بر طبیعت نمی‌کند و آنها را دارای دو ساختار متفاوت می‌داند. در این دیدگاه طبیعت مزاحم و همچون زندانی است که انسان را از رسیدن به حقیقت محروم می‌کند. به طور کلی زیر بنای این دیدگاه بر اصل بی‌اعتنایی یا مخالفت با طبیعت پی‌ریزی شده است.



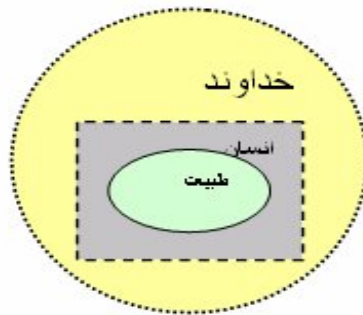
شکل (۲). رویکرد طبیعت گریز

- **رویکرد طبیعت گرا (هماهنگی):** در این نگرش بیش از همه دیدگاه‌های قبلی بر رابطه سامانه‌ای انسان با طبیعت تاکید می‌شود به طوری که همواره انسان را جزئی از طبیعت می‌داند و راز ماندگاری و پایداری در هماهنگی با آن است. اگر چه سابقه این نظریه در مکاتب شرقی بسیار کهن است اما امروزه شکل جدیدی از طبیعت گرایی ظهور کرده است که در آن رابطه معماری با طبیعت را بیشتر از نوع غیر ساختاری و ظاهری دنبال می‌کند و آن را ارگانیک نمی‌داند. عمده این مکاتب به اشکال مختلف به بهره‌برداری و تقلید از مظاهر شکلی طبیعت اهمیت می‌دهند. مهمترین دیدگاه را در این زمینه باید مکاتب ارگانیک دانست. در این نگرش انسان از طبیعت جدا نیست و نه قصد مقابله با طبیعت را دارد و نه در پی مهار کردن آن است بلکه بر آن است تا از طریق پیوند با آن به پایداری و آرامش و امنیت برسد. زیر- بنای حکمت عملی این دیدگاه، دوستی، بهره‌مندی، وصمیمیت با طبیعت است و به همین جهت به حقوق طبیعت اهمیت داده و آداب و دستورات خاص را در مواجهه با طبیعت ضروری می‌داند.



شکل (۳). رویکرد طبیعت‌گرا

- **رویکرد طبیعت‌ساز (تکمیل):** این رویکرد از نوع فراسیستمی است یعنی عظمت وجودی انسان را چیزی فراتر از طبیعت می‌داند. نگرش این دیدگاه به طبیعت آیه‌ای است به گونه‌ای که طبیعت را بستر آغازین رشد روحی انسان می‌داند و هنر انسان تکمیل نارسایی و نقص معنایی طبیعت است. سبک-های معماری اسلامی و ژاپنی نمونه‌های بارز از این نوع رویکرد هستند.



شکل (۴). رویکرد طبیعت‌ساز

بر اساس آنچه گفته شد و دیدگاه‌های موجود سوالی که در این جا مطرح می‌شود این است که معماری کتابخانه‌های امروزی به کدام یک از این رویکردها نزدیکتر است؟ آیا معماری کتابخانه‌های امروز توانسته است همزیستی مسالمت آمیزی بین طبیعت و معماری ایجاد کند، تا به کمک آن محیطی پویا و جذاب را برای مراجعه‌کنندگان فراهم آورد؟ آیا از عناصر موجود در طبیعت از قبیل نور آفتاب، شاکله خورشید، درختان، باد، دریا، جنگل، کوه، و ... که سمبل‌های طبیعت و سرچشمه احساسات و انگیزش هستند در جهت رفع نیازهای روان شناختی و زیباشناختی کاربران استفاده شده است؟ از آنجایی که در کتابخانه‌های امروزی کمتر نشانه و ردپایی از عناصر طبیعی یافت می‌شود لذا در ادامه جا دارد رابطه بین معماری کتابخانه با نیازهای استفاده‌کنندگان و چگونگی پاسخگویی به این نیازها از طریق معماری پرداخته شود.

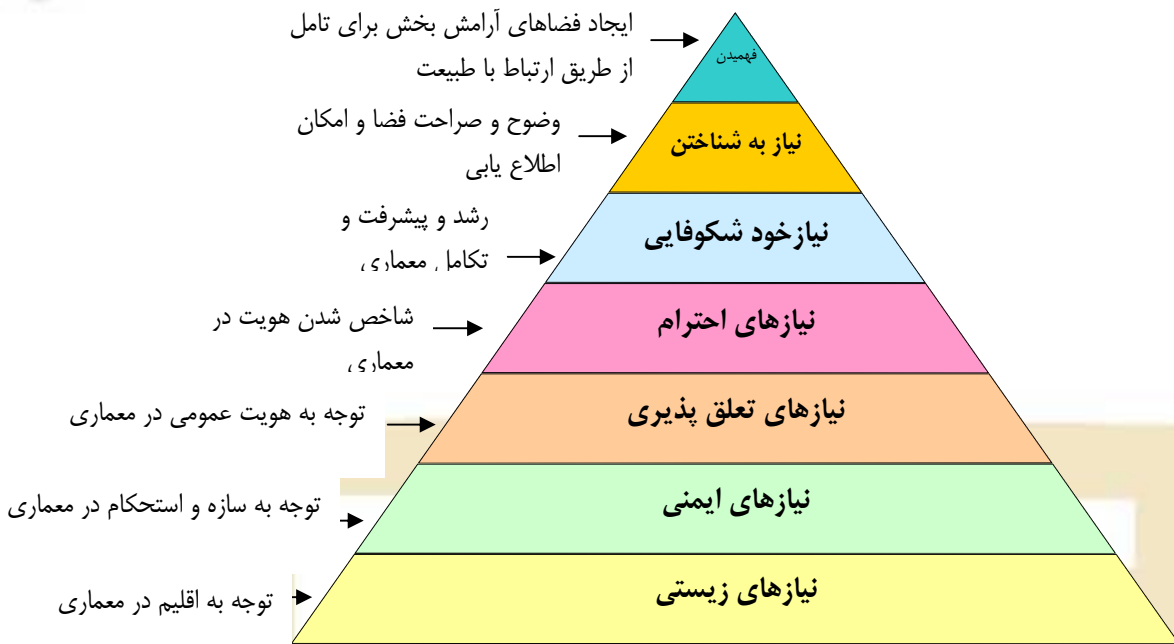
رابطه بین معماری و نیازهای طبیعی انسان

کتابخانه به عنوان یک مرکز یادگیری بر آن است تا از طریق ارضاء نیازهای شخصیتی و شناختی به رشد و پرورش انسانها کمک کند. بنابراین بنای یک کتابخانه باید به گونه‌ای طراحی شود که کتابخانه را در رسیدن به این هدف یاری کند. به سخن دیگر آن جا که نیازهای زیستی مد نظر است معمار با توجه به



شرایط اقلیمی موجود و استفاده بهینه از عوامل طبیعی می‌بایست محیطی راحت را برای کاربران کتابخانه تهیه کند، در مرتبه بعدی سلسله نیازهای مازلو نیازهای ایمنی قرار دارد بنابراین معماری کتابخانه باید کاربران را در برابر هر گونه تنش‌های روحی و روانی از قبیل ترس، وحشت، استرس و ناگواریهای طبیعی از قبیل سیل، طوفان، زلزله و آتش سوزی ایمن سازد زیرا انسان از عواملی که هستی و هویت او را به خطر بیندازد و منافع او را ناامن کند بیزار است بر این اساس معماری به دو شیوه یکی از طریق انتخاب محیط مناسب و امن و دیگر از طریق توجه به سازه و استحکام بنا می‌تواند به نیازهای امنیتی کاربران پاسخگو باشد. نیاز تعلق‌پذیری یعنی میل به برقراری ارتباط اجتماعی و نزدیک با سایر کاربران در کتابخانه و شرکت در فعالیت‌های گروهی برای رفع نیازهای فکری و اطلاعاتی، که از طریق هویت عمومی در معماری می‌توان به این مهم دست یافت یعنی ایجاد محیط‌هایی مناسب و دوستانه برای تماس و تعامل بیشتر کاربران با یکدیگر به گونه‌ای که کاربر به راحتی بتواند دقایقی را با سایر هم‌نوعان در کتابخانه بگذراند و ارتباطی دوستانه برقرار کند. مرحله بعدی نیازها، نیاز به احترام است (نیاز به عزت نفس، منزلت داشتن، اعتماد به نفس، استقلال و...). این نیاز از جمله نیازهایی است که هر کاربر کتابخانه خواهان آن است بنابراین معماری کتابخانه باید به گونه‌ای باشد که کاربران از رفت و آمد در آن احساس شخصیت و قدر و منزلت کنند، در نتیجه از طریق شاخص کردن هویت در معماری به ارضا شدن این نیاز به کاربر می‌توان کمک کرد. از جمله نیازهای دیگر نیاز به خود شکوفایی، نیاز به شناختن، و نیاز به فهمیدن است که در سلسله مراتب بالاتر نسبت به دیگر نیازها قرار دارد. نیاز به خود شکوفایی یا خودسازی را می‌توان حالتی گفت که افراد سعی دارند آن چه را که در درون خود دارند آشکار سازند بنابراین انتظار می‌رود فضا و محیط کتابخانه نه تنها احساس لذت و آرامش را در فرد ایجاد کند بلکه می‌بایست از طریق پیشرفت هویت در معماری و ایجاد مکان‌های آرامش بخش فضای مطلوبی را برای تامل و تفکر کردن و یادگیری بهتر کاربر مهیا سازد تا حس خلاقیت و ابتکار فرد حین مطالعه برانگیخته شود و استعدادهای درونی‌اش در محیط کتابخانه به مرحله ظهور برسد (شولتز و سیدنی، ۱۳۷۸).

هرگاه کتابخانه همه نیازهای انسانی را در طرح خود مورد توجه قرار دهد آن گاه می‌توان انتظار داشت که محیطی مناسب با توجه به نیازهای کاربران تهیه شده است. برای این منظور یعنی برای اینکه معمار بتواند در طراحی ساختمان کتابخانه‌ها پاسخگوی نیازهای زیستی، ایمنی و... کاربران باشد باید شرایط اقلیمی موجود را کاملاً بشناسد و با به کارگیری آن در جهت رفع نیازهای کاربران گام بردارد در ادامه رابطه بین نیازهای انسان و چگونگی پاسخگویی معماری به این نیازها نشان داده شده است:



شکل (۵) رابطه بین نیازهای انسان و چگونگی پاسخگویی معماری به این نیازها

بنابر آنچه گفته شد برای اینکه معماری کتابخانه هماهنگ با نیازهای انسانی و در جهت ارضا این نیازها باشد مستلزم شناخت ویژگی‌های محیطی و شرایط اقلیمی موجود است تا معماران و سازندگان کتابخانه‌ها با توجه به شرایط محیطی محل و مخصوصاً بر اساس مشکلات جوی موجود محیط راحت و آرامی برای استفاده کنندگان ایجاد کنند. همان گونه که معماری گذشته ایرانی این همزیستی را با طبیعت به خوبی رعایت کرده است. یکی از نکاتی که معماران گذشته ایرانی به آن توجه داشته‌اند شناخت ویژگی‌های طبیعت است. این شناخت و آگاهی دارای حداقل دو جنبه است یک جنبه آن مربوط می‌شود به شناخت ویژگی‌های جغرافیایی محل مانند آب و هوا و جنبه دیگر شناخت مواد و مصالح موجود در طبیعت و بکارگیری آن در جهت ویژگی‌های توپوگرافی موجود است. بنابراین در ادامه درباره ویژگی‌های اقلیمی مناطق مختلف ایران و چگونگی سازگاری معماری این مناطق با شرایط اقلیمی موجود در جهت برآوردن نیاز استفاده کنندگان بحث خواهد شد.

شیوه‌های سازگاری معماری با شرایط اقلیمی مختلف

ایران سرزمینی با اقلیم متفاوت است یعنی از نظر تنوع جغرافیایی می‌توان چندین آب و هوا "گرم و خشک، گرم و مرطوب، سرد، معتدل و مرطوب" را در آن مشاهده کرد پس نمی‌توان انتظار داشت که معماری کتابخانه‌ها در همه این نوع مناطق یکسان باشد بلکه با توجه به شرایط موجود، بنای کتابخانه می‌بایست شکل بگیرد به عنوان نمونه دشتهای موجود در نواحی شرقی و مرکزی ایران (دزفول و شوشتر...) جزء اقلیم گرم و خشک محسوب می‌شوند. در این مناطق به علت وجود آب و هوای گرم و خشک تابستان و سرد و خشک زمستان، ساختمان‌ها به گونه‌ای متصل به هم ساخته شده است کوچه‌ها باریک و بعضاً پوشیده با



طاق است و بناها به صورت کاملاً درونگرا و محصور و اغلب آن‌ها دارای زیرزمین، ایوان و بادگیر است. ارتفاع اتاق‌ها نسبتاً زیاد و طاقها غالباً قوسی و گنبدی است این خصوصیات باعث می‌شود زمستان مقدار کمتری گرما از دست دهند و در تابستان نیز مقدار کمتری گرما به ساختمان وارد شود. از دیگر کارهای بهینه‌سازی شرایط اقلیمی در این منطقه وجود زیرزمین در بنا است، یعنی قرار دادن بخشی از ساختمان در داخل زمین، که موجبات کاهش تبادل حرارت بین داخل و خارج بنا را ایجاد کرده و باعث مقاومت پایه‌های ساختمان در مقابل نیروهای زلزله نیز می‌شود (قبادیان، بی‌تا؛ معماریان، ۱۳۷۵).

از جمله خصوصیات اقلیمی طاق‌های قوسی و گنبدی در مناطق گرم و خشک این است که ارتفاع طاق از کف تا زیر طاق زیاد می‌شود لذا می‌توان یک تهویه طبیعی در طاق ایجاد کرد. از آن جایی که هوای گرم سبک‌تر است و به بالا صعود می‌کند و هوای خنک‌تر جایگزین آن می‌شود با تعبیه چند دریچه در اطراف و یا نوک طاق، هوای گرم از دریچه خارج می‌شود و یک جریان طبیعی از پایین به بالا به وجود می‌آید. همچنین از عمده مصالح مورد استفاده در این مناطق می‌توان به گل و خشت و آجر اشاره کرد که به وفور در این مناطق یافت می‌شود و از نظر اقلیمی عملکرد خوبی دارد زیرا در طی روز دیر گرم می‌شود و شب‌هنگام نیز دیر حرارت خود را پس می‌دهد و این باعث تعدیل نوسان حرارت داخل ساختمان در طی شبانه روز می‌شود (توسلی، ۱۳۶۰؛ Cangue, 1979).

پس ضروری است معماری کتابخانه در این مناطق متفاوت از نوع معماری در نواحی جنوبی کشور باشد زیرا در استان خوزستان، جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان و در نواحی جنوبی کشور در کناره خلیج فارس (بندرلنگه، بوشهر، کنگ،...) آب و هوا گرم و مرطوب است. برای مقابله با شرایط سخت آب و هوایی این منطقه و ایجاد سایه و استفاده از جریان باد، بناها رو به نسیم دریا ساخته می‌شود. همچنین به دلیل وجود رطوبت هوا، زیرزمین ساخته نمی‌شود بلکه طبقه هم کف از سطح زمین نیز بالاتر ساخته می‌شود. استفاده از سنگ‌های متخلخل (مرجانی) نیز به منظور عایق حرارتی و صوتی در بنا کاربرد زیادی دارد (قبادیان، بی‌تا).

بنابراین مصالح مورد استفاده در این مناطق شامل موادی است که دارای جرم حرارتی کم هستند و حرارت را در خود ذخیره نمی‌کنند مانند چوب، اما از آن جایی که پوشش گیاهی در این مناطق محدود است از چوب فقط برای بام، در و پنجره استفاده می‌شود و برای بدنه ساختمان به ناچار از مصالح بنایی دارای جرم حرارتی بسیار زیاد استفاده می‌شود و برای جبران آن دیوارها ضخیم ساخته می‌شود. از دیگر مصالح طبیعی مورد استفاده در ساخت بناها می‌توان به سنگ‌های لاشه سرخ و سفید و سیاه، ملات گل، گچ محلی، کنگو (حصیر)، گرد (شاخ‌های نخل - گل چرب) اشاره کرد (توسلی، ۱۳۶۰؛ قبادیان، ۱۳۷۲).

در مناطقی با شرایط اقلیمی معتدل و مرطوب (کناره جنوبی دریای خزر) به علت بارندگی و رطوبت زیاد در تمام فصول سال و پوشش وسیع نباتی، در این مناطق برای جلوگیری از رطوبت بیش از حد، و استفاده حد اکثر از جریان هوا و نیز طبیعت زیبا و سرسبز ساختمان‌ها با حیاطها و فضاهای باز و وسیع از هم جدا می‌شوند (معماریان، ۱۳۷۵).

به طور کلی، بام ساختمان‌ها به شکل شیبدار به منظور جابه‌جایی هوا، عدم وجود زیرزمین به علت رطوبت هوا، کف طبقه همکف بالاتر از سطح طبیعی زمین به دلیل استفاده از جریان باد، فرم ساختمان‌های این منطقه را تشکیل می‌دهد. که به خوبی نشان دهنده هماهنگی معماری با شرایط اقلیمی موجود است. همچنین از جمله مصالح مورد استفاده در این مناطق می‌توان به خاک، سنگ، و عناصر گیاهی موجود اشاره کرد که در محل نیز به وفور یافت می‌شود.



نواحی مرکزی ایران که توسط رشته کوه‌های البرز و زاگرس از دریای خزر جدا شده است شرایط آب و هوایی سرد را به وجود آورده است. وجود بارش برف سنگین، رطوبت کم هوا و اختلاف بسیار زیاد درجه حرارت بین شب و روز از ویژگی‌های بارز این منطقه است. بنابراین برای همسویی و همزیستی با این شرایط آب و هوایی ساختمان‌ها در این مناطق اغلب دارای حیاط مرکزی و درون‌گرا، اطاق‌هایی با ارتفاع کم، بازشوها کوچک، و دیوارهایی نسبتاً قطور، با بام‌هایی مسطح می‌باشد. نوع مصالح مورد استفاده در این مناطق اغلب سنگ و چوب و کاهگل است.

بنابراین همانطور که ذکر شد معماری کتابخانه‌ها نیز همانند معماری سنتی و بومی ایران می‌بایست در خدمت آسایش و راحتی و نشاط استفاده‌کنندگان شکل بگیرد و تناسب‌ها و حجم‌ها و کاربرد مصالح در خدمت جامعه و استفاده‌کننده باشد و نه اینکه استفاده‌کننده در اسارت بافت خشن و خشک کتابخانه قرار گیرد بلکه می‌بایست شگفتی‌ها، زیبایی‌ها و توانایی‌ها و شکنندگی‌ها در کنارهم دیده شود و با توجه به شرایط و موقعیت‌های جامعه و نیازها، آمیزه‌ای موزون و پاسخگو را ایجاد کند مانند معماری گذشته که نمونه‌ای از معماری ساده، و بی‌پیرایه اما در عین حال زیبا، و ژرف اندیش است به طوری که در تعادل و همسویی با محیط اطراف خود دست یافته است. این تعامل و همسویی طبیعت با معماری به ویژه در کتابخانه‌ها می‌تواند تاثیرات عمیقی برای انسان به عنوان یک کاربر داشته باشد که در ادامه به برخی از این تاثیرات و مزایای این همزیستی اشاره می‌شود.

جدول (۱). انواع شرایط آب و هوایی و شیوه‌های سازگاری معماری با آن

شرایط آب و هوایی	شیوه‌های سازگاری معماری	مزایا
اقلیم گرم و خشک	ساختمان‌ها متصل - وجود طاق در بنا - وجود زیر زمین در بنا - بنا درونگرا و محصور	جلوگیری از ورود گرما به ساختمان - تهویه طبیعی - افزایش مقاومت ساختمان
اقلیم گرم و مرطوب	عدم وجود زیر زمین - ساختن بنا رو به نسیم - استفاده از مصالح دارای جرم حرارتی کم -	ایجاد سایه - استفاده از جریان باد -
معتدل و مرطوب	استفاده از حیاط و فضاهای باز - بام‌های شیب دار - عدم وجود زیرزمین	جلوگیری از رطوبت زیاد - استفاده از جریان هوا و طبیعت زیبا
اقلیم سرد	حیاط مرکزی و درونگرا - ایجاد اطاق با ارتفاع کم - بازشوها کوچک - دیوارها قطور - بام‌ها مسطح	جلوگیری از ورود سرما به داخل - مقاومت در برابر خشکی هوا

مزایای پیوند طبیعت با معماری کتابخانه‌ها

مزایای بهره‌مندی معماری از طبیعت از دو جنبه، یکی از بعد زیباشناختی و تاثیرات روان‌شناختی آن بر روی کاربران و دیگر از بعد دستاوردهای مادی و صرفه‌جویی در هزینه‌های کتابخانه می‌توان مورد بررسی قرار داد. از منظر زیباشناختی و روان‌شناختی، استفاده از مصالح به صورت طبیعی و استفاده از فضای سبز برای ایجاد ارتباط بین فضای داخل و خارج ساختمان کتابخانه تاثیر بسزایی در شکل‌گیری روابط اجتماعی،



یادگیری، انگیزه، و خلاقیت کاربران دارد و در نهایت شادی و نشاط افراد و افزایش رضایت و میزان استفاده از کتابخانه را به همراه خواهد داشت. استفاده از فضای سبز و چشم اندازهای طبیعی جلوی فضای کتابخانه علاوه بر برانگیختن حس زیبایی و لذت بصری افراد، سکوت، آرامش، سایه، نور و تهویه مناسب را برای کاربران فراهم می‌سازد و همچنین مانع ورود سروصدای خارج به داخل ساختمان کتابخانه می‌شود. همان طور که تجربیات ثابت کرده است هرچه فضا روشن تر باشد محیط دلپذیرتر احساس می‌شود لذا برای تامین این روشنایی در فضاهای داخلی کتابخانه بهترین منبع، استفاده از نور طبیعی است زیرا برخلاف نورهای مصنوعی (کنتراست) مانع از خستگی قدرت بینایی کاربران می‌شود. بنابراین در کتابخانه‌ها به عنوان مراکز نگهداری کتب و اسناد ارزشمند استفاده از نور طبیعی و غیرمستقیم نه تنها مانع از خسارت جدی به دست‌نوشته‌ها و دیگر مدارک می‌شود بلکه محیطی با نور و گرمایی دلپذیری را ایجاد می‌کند که همه این موارد فوق در روح و روان کاربر تاثیر مثبت گذاشته و او را برای استفاده بیشتر از محیط کتابخانه ترغیب می‌کند.

از دیگر روی بررسی‌های متون نیز به خوبی نشان می‌دهد که بکارگیری انرژی‌های رایگان طبیعی همچون نور، باد و... آسایش، آرامش و شادی را با کمترین هزینه‌ها برای کاربران کتابخانه فراهم می‌آورد. استفاده از بادگیر در معماری سنتی نمونه‌ی خوبی از بکارگیری انرژی رایگان در معماری است که در عین زیبایی بخشیدن به بنا، نقش مؤثری در چگونگی تهویه فضای درونی بناها و خنک کردن سرداب‌ها و آب انبارها دارد. به سخن دیگر معماری گذشته هرگز نمی‌کوشد با ساختن پنجره‌های بزرگ شیشه‌ای حرارت و سرو صدای بیرون را به ساختمان کتابخانه وارد سازد تا ناچار شود برای سرد کردن ساختمان از انرژی فراوان خارجی استفاده کند و بر سر و صدای موجود نیز بیافزاید (قبادیان، بی‌تا). بنابراین سازگاری ساختمان با شرایط اقلیمی بهترین روش برای کاهش هزینه‌های ساختمان و مقابله با عوامل نامساعد جوی است. به عبارت دیگر در مناطقی که ساختمان مطابق اصول طراحی اقلیمی بنا شده اند، ضرورت استفاده از دستگاه‌های گرمایشی و سرمایشی مکانیکی را به حداقل رسانده است یعنی به جای اینکه به سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی فشار زیادی تحمیل شود خود ساختمان بدون سروصدا و بدون نیاز به سایر دستگاهها شرایط آسایش را برای کاربران فراهم می‌کند و صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای را به دنبال دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد آنچه که در معماری کتابخانه‌های امروزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است بحث بکارگیری عوامل طبیعی در معماری کتابخانه‌ها است. به عبارت دیگر سازگاری دست ساخته‌های بشری با شرایط اقلیمی و نیازهای ذاتی انسان، به گونه‌ای که باعث ایجاد فضایی مناسب به لحاظ روان‌شناختی و زیبایی شناسی در طراحی کتابخانه شود تا بتواند در رشد کتابخوانی کاربران موثر باشد دیده نمی‌شود. در نتیجه علی‌رغم اینکه در معماری قدیم شاهد ساختمان‌هایی در کمال سادگی و خلوص در هماهنگی و همخوانی با طبیعت هستیم، در عصر حاضر ساختمان کتابخانه‌ها در پیوند با طبیعت قرار نگرفته است هرچند تعداد معدودی رگه از این نوع معماری در آنها مشاهده می‌شود.

منابع و ماخذ:

- توسلی، محمود (۱۳۶۰). **ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک**. تهران: نشر آب.
- حمزه نژاد، مهدی (۱۳۸۶). **مجموعه مقالات انسان، طبیعت، معماری**. مشهد: دانشگاه فردوسی.



- شجاعی، علیرضا (۱۳۸۵). **فضاهای آموزشی، قواعد و معیارها**. تهران: سیمای دانش.
- شولتز، دوان؛ سیدنی، الن (۱۳۷۸). **نظریه های شخصیت**. ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: نشر هما.
- قبادیان، وحید (بی تا). **بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قبادیان، وحید (۱۳۷۲). "تطبیق منظر با اقلیم". **مجله معماری و شهرسازی**؛ شماره ۲۴، (پاییز).
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۰). "طبیعت در آثار معماران نقش سمبل های طبیعت و جهان هستی در نگاه فرمال معماران". **مجموعه مقالات انسان، طبیعت، معماری**. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۶). **زیبایی شناسی در معماری**. ترجمه: جهان شاه پاکزاد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۷۵). **آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه شناسی برونگرا**. تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۷). **نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت**. تهران: انتشارات خوارزمی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰). **انسان و طبیعت (بحران انسان متجدد)**. ترجمه: دکتر عبدالکریم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هلمن، لویی (۱۳۸۱). **الفبای معماری**. ترجمه محمد احمدی نژاد. اصفهان: نشر خاک.
- Cangue, G (1979). *Miffed, g: "Composition Architectonical a Typologies Edifical"*, Ed. Marsalis.
- Catelli. G (1982). *"Typologies primitive"*. Ed. Alien.